

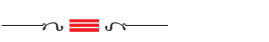


هشدار شمس الواعظین

درباره روزنامه های اصلاح طلب

سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات رسانه‌های کشور را دستخوش بحران جدی دانست و گفت : دولت به دنبال یکسان‌سازی تولید فرآورده‌های فرهنگی است و به همین دلیل مراکز خصوصی آسیب دیده و منفل شده‌اند .

ماشاءالله شمس الواعظین افزود : سرمایه‌گذاری در تولید رسانه به صرفه نیست و برخی عوامل به اقتصاد رسانه‌ها آسیب زده‌اند . وی با بیان اینکه «روزنامه‌های محافظه‌کار نیز دچار این بحران هستند»، گفت : به نظر من بحرانی که اکنون گریبان مطبوعات را گرفته است تا تعیین یک نظام ویژه برای رسانه‌های ملی کشور ادامه خواهد داشت . ششمس تعطیلی روزنامه‌های اصلاح‌طلب به دلیل مشکلات مالی رامحصول و پیامد دگرگونی و تغییرات دانست و در خصوص دلایل به وجود آمدن بحران گفت : دولت در اتخاذ سیاست‌های خود مطبوعات را به سمت بحران می‌برد و اعتماد افکار عمومی نیز نسبت به رسانه‌های چاپی کاهش پیدا کرده، بنابراین با اقبال کم مواجه شده‌اند .



ارسال «اقبال» به دادگاه انقلاب

پرونده روزنامه توقیف شده «اقبال» با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست از سوی دادسرای عمومی و انقلاب تهران به دادگاه ارسال شد . به گزارش ایسنا پرونده روزنامه توقیف شده «اقبال» به مدیرمسئولی مرتضی فلاح‌میردی با شکایت مدعی العموم در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت مطرح بود . اتهامات این روزنامه پیش مطالب خلاف واقع و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی عنوان شده‌است که پس از بررسی و انجام تحقیقات مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه ارسال شد .



ارائه لیست مجمع روحانیون به ائتلاف

دبیر اجرایی مجمع روحانیون مبارز با اشاره به فعالیت‌های این تشکیلات روحانی برای تهیه لیست انتخاباتی در این مقطع گفت : این فهرست پس از آماده شدن به زودی به ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان ارائه می‌شود . مجید انصاری با اشاره به اینکه «کمیته سیاسی و کمیته انتخابات مجمع روحانیون مبارز موظف شده‌اند که به طور مشترک فهرست انتخاباتی را تهیه کنند» افزود : این دو کمیته در حال حاضر مشغول بررسی و تهیه این لیست هستند . وی پیش از این نیز گفته بود : مجمع روحانیون مبارز دفتر انتخاباتی مستقل و کمیته انتخابات دارد و به طور جدی مسأله انتخابات دوره هشتم مجلس را تعقیب می‌کنیم که امیدواریم با پیگیری‌های مجمع و رایزنی‌هایی که جناب آقای خاتمی و سایر اعضا و کمیته سیاسی داشته‌اند و دارند بتوانیم زمینه برگزاری یک انتخابات کاملاً آزاد را در کشور داشته باشیم .

گفت‌وگوی اعتماد با سوسن شریعتی

زنان در پروژه شریعتی

پروین بختیارنژاد-

چند و چون نظرگاه شریعتی در خصوص زنان با سوسن شریعتی مطرح شد . او از یک طرف زن است و ناخوسته وابسته به مطالبات زنان و نیز فرزند شریعتی . او در این گفت‌وگو در شرایط پارادوکسیکال قرار دارد که در واقع این گفت‌وگو را او گرفتار این و آن کرده . حال با خواندن این گفت‌وگو خواهیم دید که سوسن شریعتی این تناقض را چگونه به سرانجام می‌نشانند .

–برخی از منتقدان شریعتی بر این نکته تأکید دارند که وی در مرحله اول به عنوان یک زن و در مرحله دوم به عنوان فرزند شریعتی در این مورد چه نظری دارید؟

راستش در تجربه شخصی آدم شدنم ، در هیچ لحظه‌یی مجبور به انتخاب بین زن بودن و شریعتی بودن، نشدم . در عین حال که این هر دو تعلق، نقطه عزیمت محکم و مادی همان شدن بود . هیچ معلوم نیست هر نوع تعلقی ، اسارت باشد . همه چیز بستگی به نسبتی دارد که با این همه برقرار می‌شود . بزرگی می‌گوید ما ضرورتاً انسانیم و تصادفاً مرد یا زن . شریعتی بودن بنده هم جزء همان تصادفات است، چنانچه زن بودن نیز . با این وجود این تصادفات را باید جدی گرفت، اگر نمی‌خواهیم که تبدیل به تقدیر شود و تهدید . تهدیدها را می‌گویند می‌شود به فرصت بدل کرد . اما ظاهراً در حال حاضر صحبت از تجربه شخصی نیست، صحبت از نسبت این دو است؛ شریعتی و مسأله زنان . قبل از ورود به این موضوع ذکر چند نکته کلی در مورد تفکر و روش شریعتی در برخورد با مفاهیم و وضعیت‌ها ضروری است . تفکر شریعتی تفکر بزرگناه‌هاست، شناسایی بزرگناه‌های فرهنگی ، انسانی و اجتماعی همین مای موجود گرفتار . شناسایی بزرگناه‌هایی که محصول شناختی‌میدانی است و نه انتزاعی . شاید به همین دلیل است که ما نیز بر سر هر بزرگاهی خود را با او مواجه می‌بینیم و به او می‌پردازیم . این را من فرزند نمی‌گویم . این راهمه آنهاهی می‌گویند که با طمأنینه یا از سر ناشکیبایی تقد یا حمله به شریعتی را در دستور کار روز خود قرار داده‌اند . واکنش‌هایی که در برابر او می‌بینیم‌گاه به دلیل صحت پرسش‌هایی است که شریعتی طراحی کرده و هنوز پرسش‌های زمانه ماست و گاه پاسخ‌ها است که جدال‌برانگیز است . این تفکر بزرگگاهی ، مهمتر از پاسخ‌های شریعتی ، روش او در طرح پاسخ است . رویکرد شریعتی به مقولات مختلف ، رویکرد پان‌دولوی است . نشانندن مفاهیم در موقعیت‌های پارادوکسیکال . رفت و آمد میان دید موقعیت‌های دوگانه‌یی که در این ۲۰۰ – ۱۵۰ سال گذشته انسان ایرانی به آن دچار شده است . در پرداختن به هر موضوعی ، اول آن شرایط

پان‌دولوی را فراهم می‌آورد . دلیلش روشن است . می‌داند مخاطبش دچار ذهنیت کلیشه‌یی است، گرفتار «این یا آن» است؛ این و آن شرق و غرب، این و آن سنت و ملذئیت، این و آن عقل و دل، این و آن دیروز و فردا . شریعتی متوجه دگرگیزی جامعه و گرفتار شدنش در این دوگانه‌ها است و از همین رو، دعوت خود را در چنین فضایی ترسیم می‌کند .

کلید واژه پروژه شریعتی آگاهی‌بخشی و خودآگاهی دادن است، در محویت «بودن» تزئید انداختن و «شدن» را بدل به ضرورت آگاهانه کردن . برای تحقق این پروژه خوب، بدییی است که باید از همان اول امکان و اقتدار مخاطبش را بشناسد؛ امکان و اقتداری شنویت‌زده، کلیشه‌ییی، شتاب‌زده و ترس خورده . به همین دلیل است که در طرح هر پاسخی، قبل از اینکه در پی ایجاد باشد، وجهه مسلطی آن‌را نیز لحاظ می‌کند .

قبل از اینکه بگوید چه باید کرد، می‌گوید چه باید نکرد . مثلاًدر دعوت به دین در آغاز به نقد موقعیت دین در جامعه می‌پردازد اینکه چه چیز دین نیست و نتیجه می‌گیرد که سنت، مذهب نیست . سنت متصلب است و مذهب دینامیک . در بحث شرق و غرب، باز همین موضع را دارد و شرق‌زدگی را روی دیگر غرب‌زدگی می‌داند یا نیز بازگشت به خویشتن . بلافاصله می‌پرسد کدام خویشتن؟ و می‌گوید خویشتن آزاد شده از چهار زندان و از جمله آزاد شده‌از زندان دیروز . اگر به دیالکتیک سلب و ایجاب در اندیشه شریعتی دقت نکنیم، می‌توانیم هر بار بخشی از آرای او را علم کنیم و در برابر بخش دیگر اندیشه او قرار دهیم . خطر «زدگی» مهم‌ترین هشدار اوست، «شرق‌زدگی» می‌پرسد کدام خویشتن؟ و «سنت‌زدگی» . خطر دیگری که این پروسه از طریق تجزیه به آن . تفکیک سنت از مذهب اولین گام است . تفکیک مدرنیته از ملذئیتسم دومین آن . سنتی که به وفادار ماندن، ماندن به دیروز و در دیریز می‌خواند و ملذئیتسمی که با وسوسه فردا می‌آید . اولی آویختن به یک خود محضتر است و دومی تشبه به یک توهم . یکی تجسر است و دیگری تشبه و هر دو محصول ذهن مونتاژگر . یکی مونتاژ سنت است با مذهب و دیگری مونتاژ داخلی سنت با امر مدرن . (تعبیر مونتاژ داخلی در باب آن تصویری است که از زن غربی در جوامع پیرامونی شکل گرفته است و به‌نظر شریعتی فرسنگ‌ها بازن غربی فاصله دارد و نقل می‌کنم: «فتی‌را که به عنوان زن اروپایی می‌شناسیم، در واقع زن اروپایی نیست، زن اروپایی موجود در ایران است .»)

شریعتی در مقابل «زدگی»، «تشبه» و «مسخ‌شدگی» سوژه را می‌نشانند، انسان خودآگاه مختار قادر به عصیان –در این میانه برخورد شریعتی با زنان چگونه است؟

بدییی است که در این پروژه زنان حذف نمی‌شوند . مسأله زنان را نیز در ذیل همین پروژه خودآگاهی و کسی‌شدن تعریف می‌کند . اشاره کردم که در این پروژه، شریعتی از نوع اندک حرف هر دو حالت این زن، دچار است، سوژه نیست، ایزه است، ایرانی– اسلامی، جهان‌سومی شرقی و به همین دلیل می‌داند که در این «وضعیت»، مسأله زنان اگرچه نمی‌تواند به شکل جدا و یزوله بررسی شود در عین حال ویژگی‌های خاص خودش را دارد . در این پروژه، شریعتی زن و مرد را در حقیقت به خوردن



پروژه شریعتی آگاهی‌بخشی و تبدیل زنان و مردان به سوژه‌ها و شهروندان آگاه است انعکس؛ کاوه بندهادی

میوه مستوع –آگاهی– دعوت می‌کند اما می‌داند که پس از هبوط، موقعیت آدم و حوا در این زمین برابر نیست . می‌داند که آن زندان‌های چهارگانه انسان در مورد زنان تبدیل به لابیترتی محوف و غیر قابل عبور می‌شود . در نتیجه فوراً به سراغ نسبت زن با سنت، نسبت زن با مذهب و نسبت زن با امر مدرن می‌رود و در این مثلث در جست‌وجوی پیدا کردن ترکیبی جدید است، از طریق تجزیه به آن . تفکیک سنت از مذهب اولین گام است . تفکیک مدرنیته از ملذئیتسم دومین آن . سنتی که به وفادار ماندن، ماندن به دیروز و در دیریز می‌خواند و ملذئیتسمی که با وسوسه فردا می‌آید . اولی آویختن به یک خود محضتر است و دومی تشبه به یک توهم . یکی تجسر است و دیگری تشبه و هر دو محصول ذهن مونتاژگر . یکی مونتاژ سنت است با مذهب و دیگری مونتاژ داخلی سنت با امر مدرن . (تعبیر مونتاژ داخلی در باب آن تصویری است که از زن غربی در جوامع پیرامونی شکل گرفته است و به‌نظر شریعتی فرسنگ‌ها بازن غربی فاصله دارد و نقل می‌کنم: «فتی‌را که به عنوان زن اروپایی می‌شناسیم، در واقع زن اروپایی نیست، زن اروپایی موجود در ایران است .»)

فراهم کرده است، می‌تازد .

–برخی از منتقدان شریعتی بر این عقیده‌اند که دکتر به مسائل حقوق زنان نپرداخته تا نظر شجاع‌ها باشد؟

البته دو نظر هست . برخی می‌گویند شریعتی به «مسائل زنان» نپرداخته و برخی بر این باورند که بد پرداخته . این انتقاد که شریعتی به مسائل زنان نپرداخته، غلط نیست . یعنی شریعتی به طرح کلی موقعیت اجتماعی و فرهنگی زنان بسنده کرده‌است و به جز تک و توک مواردی و آن هم نه به شکل عمقی وارد پرونده‌های متعدد مربوط به موقعیت زنان نشده‌است (خاتواده– حقوق زنان در برابر قانون، حضانت کودکان، کار و . . .) اما به «مسأله زنان» پرداخته و نمی‌شود منکر این موضوع شد که همین طرح کلی‌یی که بدان اشاره کردم، مقدمه ضروری نظری است برای هر گونه طرح اندازی کلان و درازمدت در مورد جنبش زنان . اما برخی می‌گویند مسأله زنان را بد مطرح کرده، ناقص مطرح کرده و آن را عمدتاً در ذیل مبارزه اجتماعی و سیاسی تعریف کرده است . به نظر من شریعتی از جای درستی شروع کرده و این رویکرد اساساً رنگ و بوی ایدئولوژیک نداشته و ناشی از ضرورت بیرونی بوده است .

اروپا و به خصوص در فرانسه این ضرورت مرحله‌بندی را نشان می‌دهد . مسأله زنان در اروپا تا قبل از اینکه بتوانند به عنوان پرونده‌یی مستقل از احزاب، ایدئولوژی‌های سیاسی و قدرت‌های حاکم و محکوم مطرح شود، لاقلاً در قرن وایسنگی به جنبش عمومی اجتماعی و مدنی (کمی کمتر از دو قرن) را پشت سر گذاشت و تازه این دو قرن بدون احساب قرن مقدماتی روشنگری است که با سرزدن سوژه و تضعیف نظام کلیسایی و عقلانیت خودبنیاد و . . . تعریف می‌شود . اولین باری که صحبت از زنان می‌شود – با همه آن مقدمات نظری‌یی که اشاره کردم– در انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ است . در حقیقت صحبت از زنان نمی‌شود، زنان با حضور یکپارچه در انقلاب فرانسه و از طریق مشارکت فعال در آن می‌گویند ما هم هستیم . برای اولین بار اعلامیه حقوق زنان المپ را صادر می‌کنند، با تهیه و تنظیم دفترچه‌هایی شکایت‌ها و خواسته‌هایشان را فرموله می‌کنند و . . . در مرحله اول، از طریق مشارکت‌یی واسطه زنان در این

تجربه عمومی تبدیل رعیت به شهروند، تازه می‌فهمیم که هستند، کسی هستند و حضورشان همچون اکثرهای اجتماعی ضروری است . بی‌تردید در این مرحله زنان جزء سیاه‌شکر جنبش انقلابی هستند . از اواسط قرن نوزدهم و با سر زدن جریانات اتوپیک و سوسیالیست(و چهره‌های شاخص چون سن‌سیمون و فوریه) جنبش زنان وارد مرحله جدیدی می‌شود . در ذیل همین ایدئولوژی‌های اتوپیک که مدام در پی الگوسازی برای جامعه‌های ایده‌آل بودند و طبیعتاً نقاد جوامع موجود، زنان نیز تغییر در موقعیت موجود خودشان را تبدیل به یکی از مشخصات ضروری جامعه ایده‌آل کردند .

ادامه در صفحه ۷

خبر

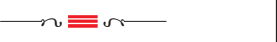
لزوم آگاهی نسبت به تله های رقیب
حسین کاشفی معاون دبیرکل حزب مشارکت با بیان اینکه «آنچه رقیب ما در دست دارد یکدست بودن مجریبان در نظارت و اجراست» به ایسنا گفت :
مشکلی را که اصلاح طلبان دارند نیروهای رقیب ندارند . با این حال رقیب گهگاه زمینه بی را فراهم می‌کند و از هم اکنون به نیروهای اجرا و نظارت پیام می‌دهند که اصلاح طلبان جایگاه‌شان در مجلس نیست و نباید باشند . این جریان کاملاً از فضا و رسانه‌هایی که در اختیار دارند استفاده می‌کنند و در مجموع با خط و نشان‌هایی که می‌کشند بسترسازی و زمینه‌سازی می‌کنند که برخورد و حذف اصلاح طلبان بیشتر شود که این با اخلاق سیاسی منطبق نیست . کاشفی افزود : ما باید زمینه رقابت اما مستفانه رقیب با استفاده از امکانات کارهای دیگری انجام می‌دهد که گهگاه می‌بینیم اصلاح طلبان نیز در دام آن می‌افتند؛ در حالی که شرط انتخابات پرشور ، آزاد و سالم باید فراهم باشد تا مشارکت سیاسی افزایش پیدا کند .



حسین انتظامی تبرئه شد

شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران ، حسین انتظامی مدیرمسئول روزنامه «همشهری» را از اتهامات مطرح شده در کیفرخواست صادره تبرئه کرد . به گزارش ایسنا جلسه رسیدگی به اتهامات حسین انتظامی در ۶ آبان ماه در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران با حضور اعضای هیات منصفه، برگزار و پس از بیان شکایت شاکی ، وی در برابر اتهامات انتشار مطالب خلاف واقع و افترا از طریق چاپ و انتشار یک مطلب، به دفاع از خود پرداخت .

پس از اتمام جلسه دادگاه، هیات منصفه مطبوعات وارد شور شد و به مجرمیت مدیرمسئول روزنامه «همشهری» نظر داد و وی را مستحق تخفیف مجازات دانست . قضات شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران پس از اعلام نظر اعضای هیات منصفه مطبوعات حسین انتظامی را تبرئه کردند .



رایزنی اعتماد ملی با وزرای خاتمی

سخنگوی حزب اعتماد ملی از مذاکرات مهدی کروبی دبیرکل این حزب با محتمشعی پور ، زنگنه ، بی طرف و حجتی برای حضور در انتخابات و قرار گرفتن در لیست انتخاباتی حزب اعتماد ملی در تهران خبر داد . گرامی مقدم همچنین اظهار داشت : برخی از این افراد به طور قطع اعلام کردند که در انتخابات حضور نخواهند یافت . اما عده‌یی دیگر هنوز تصمیم قطعی خود را اعلام نکرده‌اند .

جناب آقای علی ربیعی

با تاسف و تائر فراوان درگذشت فرزند دلبدنتان را به آن برادر بزرگوار تسلیت عرض می کنیم.

از درگاه ایزد منان برای آن فقید سعید علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

محسن آرمین ، زهره آقاجری ، سید هاشم آقاجری ، محمد آقایی ، هدایت آقایی ، صادق آیینه وند ، یوسف اباذری ، معصومه اب்தکار ، غلام حیدر ابراهیم بای سلامی ، زهرا ابراهیمی ، حسنعلی ابراهیمی ، محمد علی ابطی، حمید رضا ابک ، مژگان اثباتی ، علی اصغر احمدی ، علی محمد احمدی ، کریم ارغنده پور ، یداله اسلامی، حمید اسماعیلی ، محمد رضا اسماعیلی، زهرا اشراقی ، محسن اشرفی، جواد اطاعت، بهروز افخمی ، جعفر افقبی ، کاظم اکرمی ، سید حسن حسینی ، مرتضی الویری ، جواد امام ، شهربانو امانی ، محسن امین زاده ، ابراهیم امینی ، اسداله امینی ، جمشید انصاری ، حسین انصاری راد ، محمد ابراهیم انصاری لاری ، محمد علی ایازی ، مصطفی ایزدی ، علی باقری ، محمد باقریان ، عمادالدین باقی ، محمد کاظم بختوردی ، مجتبی بدیعی ، اشرف بروجردی ، عباس بزرگمهر ، محمد بسته نگار ، ژیلما بنتی یعقوب ، احمد بورقانی ، منوچهر بهرامی ، محمد رضا بهزادیان ، سید محمد بهشتی ، محمود رضا بهمین پور ، حسین بی غم ، حبیب اله بیطرف ، حسین پایا ، علی پایا ، پنجه فولادگران ، سعید پورعزیزی ، شهاب پورقاسمی ، احمد پورنجاتی ، علی پیرحسین لو ، محمد رضا تابش ، علی تاجر نیا ، سید مصطفی تاج زاده ، غلامرضا تاج گردون ، عبدالرضا تاجیک ، محمد رضا تاجیک ، مهدی تحقیقی ، محسن ترکاشوند ، احمد ترک نژاد ، علی تقی پور ، قاسم تقی زاده خامسی ، سید کامل نقوی نژاد ، غلامحسین تکفلی ، غلامعباس توسلی ، جعفر توفیقی، خسرو تهرانی ، رضا تهرانی، مهرنوش جعفری ، احمد جلالی، جلال جلالی زاده، حمید رضا جلالیی پور ، مهدی جمارانی ، ایرج جمشیدی ، احمد جمی ، اسحاق جهانگیری ، مجید حاج بابایی، علی حاج کتابی، مرتضی حاجی ، نجفقلی حبیبی ،سعید حجاریان ، محمد جواد حجتی کرمانی ، محمود حجتی، آرش حسن نیا، سید صفدر حسینی ، سید محمود حسینی ، الیاس حضرتی ، علی حکمت ، منیژه حکمت ، پیروز حناچی ، هادی حیدری ، علی خاتمی ، محمد رضا خاتمی ، ناصر خالقی ، جهانبخش خانجانی ، مصطفی خانزادی ، ابراهیم خانیکی ، هادی خانیکی ، علی خدابخش ، علی اصغر خدیاری ، صادق خرازی ، کمال خرازی ، احمد خرم ، حسین خلیلی اردگانی، محمد علی خلیلی اردگانی ، ابوالقاسم خوشرو، علی خوشرو ، علی خیبری ، محمد علی دادخواه ، محمد دادفر ، فخرالدین دانش ، محمود درکشان ، احمد رضا درویش ، سید محمود دعایی، علی دهقان ،عباس دوزدوزانی، اسماعیل دوستی، مسعود ذهبیون ، اسداله رازانی، فاطمه راکعی ، علی رضا رجایی، جعفر رحمان زاده ، علی اکبر رحمانی، مهدی رحمانیان ، محمد جواد رسایی، حسن رسولی، عبدالعلی رضایی، سعید رضوی فقیه، جلال رفیع، حسین رفیعی، علی اصغر رمضان پور ، عبداله رمضان زاده ، محسن رهامی، حسن رمضانیان پور ، محسن رناتی ، محمد جواد روح ، عباسعلی روحانی ، سعید روحانی فرد ، محمد رضا رئیس گرمی، قیاض زاهد ، علی اکبر زحمت کش ، حسین زمان ، محمود زمانی قمی ، حیدر زندیه ، بیژن زنگنه ، محمد رضا زهدی ، امین سازگار نژاد ، جلیل سازگار نژاد ، سجاد سالک ، حسن سبحان الهی ، مصطفی سبطی ، مسعود سپهر ، احمد ستاری ، محمد ستاری فر ، معصومه ستوده ، عیسی سحر خیز ، محمود سرآبادانی، حسین سراج ، ابوالقاسم سرحدی زاده ، ابوالکریم سروش ، محمد علی سعدایی، میثم سعیدی ، محمد سلامتی ، مسعود سلطانی فر ، عبدالفتاح سلطانی، داود سلیمانی ، حسین سلیمی ، هادی سمتی ، علی اصغر سید آبادی ، حمید سیدی ، سید محمد سیف زاده ، حسن سینگی ، سید اصغر شاپوریان ، محمد شامخی ، ولی اله شجاع پوریان ، مریم شربتدار قدس ، شهبلا شرکت ، محمد شریعتی دهقانی ، سعید شریعتی ، محمد حسین شریف زادگان ، بهنام شریفی ، رضا شریفی ، کاظم شکری ، علی شکوری راد ، محمود شمس الواعظین ، کریم شورانگیز ، احمد شیرزاد، سعید شیرکوند ، حسین صادقی ، علی صالح آبادی ، نادر صدیقی ، بهروز صحابه ، غلامرضا صحرائیان ، سید محمد صحفی ، محمد صدر ، زهرا صدر اعظم نوری ، احمد صدری ، محمود صدری ، ناصر صفاریان ، محسن صفایی فراهانی ، فضل اله صلواتی، خسرو طالب زاده ، محمود طالقانی نژاد ، شهاب طباطبایی، نوشین طریقی ، غلامرضا ظریفیان ، محمد رضا ظفرقندی ، کریم عابدی ، رحیم عبادی ، عبدالحمید زاهدی، عباس عبدی ، فیض اله عرب سرخی ، احمد عزیزی ، داود عسکری ، محمد عطریانفر ، احمد عظیمی ، عباس عظیمی زاده ، علی رضا علوی تبار ، فریدون عموزاده خلیلی ، بهروز غریب پور ، مسعود غفاری ، محمد جواد غلامرضا کاشی، احمد غلامی ، فریده غیرت ، نیما فاتح ، محمد تقی فاضل میبدی ، سعید فانقی ، نادر فتوره چی ، عدرا فراهانی ، رضا فرجی دانا ، مرتضی فلاح ، هادی قابل ، ابوالقاسم قاسم زاده ، حسین قاضیان ، ابوالفضل قدیانی ، جواد قدیمی ذاکر ، محمد قره تپه ، رحمانقلی قلی زاده ، علی قبری ، سیاوش قبهه چیان ، محمد قوچانی ، هادی کحال زاده ، حسین کاشفی، مرتضی کاظمیان ، جمیله کدیور ، محسن کدیور ، غلامحسین کرباسچی ، داود گرمی ، فاطمه کمالی احمد سرایی، فرج کمیحانی ، عباس کوشا ، الهه کولایی ، اسداله کیان ارثی ، محمد کیانوش راد ، بهروز گرانیپه ، اسماعیل گرامی مقدم ، حسین لقمانیان ، سعید لیلناز ، فرید ه ماشینی ، مرتضی مبلغ ، حمید متقی ، زهرا مجردی ، سید علی اکبر محتشمی پور ، فخرالسادات محتشمی پور ، بهروز محمدی ، داود محمدی ، عروجعلی محمدی ، حسین محمود زاده ، سید علی محمودی ، مولوی مرادزهی ، حسین مرعشی ، علی مزروعی ، احمد مسجد جامعی ، اکرم مصوری منش ، محمد جواد مظفر ، علی معظمی ، فرهنگ معیری ، فتح اله معین ، بدرالسادات مفیدی ،محمد مقدم ، شهبین دخت ملاوردی ، مصطفی ملکیان ، آذر منموری ، ابوالفضل موسویان ، حسین موسوی تبریزی ، علی اکبر موسوی خوئینی، عبدالواحد موسوی لاری ، میر طاهر موسوی، حسن موسوی نژاد ، عطااله مهاجرانی ، ابراهیم مهنری ، امیر حسین مهدوی ، محسن مهربعلی زاده ، هاشم مهبمنی ، عبداله مومنی ، احمد میدری ، بیژن میرباقری ، محسن میردامادی ، محمود میرلوحی، جعفر منفرد ، غلامحسین نادى ،عبداله ناصری ، بهزاد نبوی ،محمد علی نجفی، زهرا نژاد بهرام ،کاظم نصیر اف ، حسین نصیری ، محمد نعیمی پور ، علی محمد نمازی، حسین نورانی نژاد ، سید تقی نوربخش، اصغر نوروزی ، صادق نوروزی ، کامبیز نوروزی ، کسری نوری ، مجید تیری ، صالح نیکیخت ، رضا نیک نذاف ، مسعود نیلی ، محمد واحدی، حسین واله ، مصطفی والهیی ، فریدون وردی نژاد ، صدیقه وسمقی، عبدالر سول وصال ، شمس الدین وهابی، مراد ویسی، ناصر هادیان ،سید احمد هاشمی ،سید هاشم هدایتی،عباس یزدان فر ، میر محمود یگانلی، حسن یوسفی اشکوری، رضا یوسفیان